حراج‌های هنری و گردش سرمایه؛
مقایسه حراج تهران با حراج‌های کریستیز و ساتبیز

مریم اسفندیاری
پژوهشگر و کارآفرین هنری

بازار هنر در سطح جهانی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. حراجی‌های بزرگ مانند کریستیز (Christie's)و ساتبیز (Sotheby's) نقش مهمی در تعیین ارزش و روند بازار هنر ایفا می‌کنند. در ایران، حراج تهران به‌عنوان بزرگ‌ترین رویداد حراج آثار هنری، جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد هنر کشور پیدا کرده است.
حراج تهران نخستین‌بار در سال ۱۳۹۱ با هدف معرفی و فروش آثار هنری مدرن و معاصر ایران در سطح حرفه‌ای و سازمان‌یافته راه‌اندازی شد. این حراج توسط بخش خصوصی و با حمایت مجموعه‌داران، گالری‌داران و فعالان بازار هنر شکل گرفت. هر دوره از این رویداد در یکی از هتل‌های تهران برگزار می‌شود و آثار برگزیده از هنرمندان شناخته‌شده ایرانی در آن عرضه می‌شود. حراج تهران از طریق فراخوان، ارزیابی کارشناسی، تعیین قیمت پایه و برگزاری مراسم زنده مزایده، آثار را به فروش می‌گذارد و کمیسیون خود را از مبلغ فروش دریافت می‌کند.
همچنین حراج ساتبیز (Sotheby's) در سال ۱۷۴۴ در لندن تأسیس شد و یکی از قدیمی‌ترین و تأثیرگذارترین خانه‌های حراج در جهان به‌شمار می‌رود. این مؤسسه اکنون مقر اصلی خود را در نیویورک دارد و در بیش از ۴۰ کشور فعالیت می‌کند. در سال ۲۰۱۹ توسط شرکت فرانسوی-اسرائیلی BidFair USA به رهبری پاتریک دراهی خریداری شد. ساتبیز علاوه بر برگزاری حراج آثار هنری، در حوزه‌های عتیقه‌جات، جواهرات، ساعت‌های لوکس و کلکسیون‌های خاص نیز فعال است. این حراجی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، مزایده‌های آنلاین و ترکیبی برگزار می‌کند و خدماتی چون تأمین مالی، مشاوره سرمایه‌گذاری و ارزیابی تخصصی آثار را به مشتریان ارائه می‌دهد. ساتبیز نقش کلیدی در تعیین ارزش بازار جهانی هنر دارد.
۲۰ سال پس از آن حراج کریستیز (Christie's) در سال ۱۷۶۶ در لندن توسط جیمز کریستی تأسیس شد و امروزه به‌عنوان یکی از معتبرترین و بزرگ‌ترین حراجی‌های آثار هنری در جهان شناخته می‌شود. و اکنون متعلق به گروه هلدینگ Artémis است که در مالکیت فرانسوا پینو، یکی از ثروتمندترین افراد جهان، قرار دارد. این مؤسسه بین‌المللی، دفاتری در شهرهای بزرگی چون نیویورک، پاریس، هنگ‌کنگ و دبی دارد و سالانه صدها مزایده حضوری و آنلاین برگزار می‌کند. کریستیز علاوه بر فروش آثار هنری کلاسیک و معاصر، خدماتی نظیر مشاوره سرمایه‌گذاری هنری، تضمین قیمت فروش، و ارائه وام با وثیقه آثار هنری نیز فراهم می‌کند. این حراجی نقش مهمی در تعیین روند بازار جهانی هنر ایفا می‌کند.
در این مقاله، به مقایسه این سه حراج از نظر سازوکارهای مالی و اقتصادی می‌پردازیم تا تفاوت‌های بنیادی و نقاط مشترک آن‌ها را بررسی کنیم.

۱- مدل اقتصادی و مالکیت: یکی از تفاوت‌های اساسی بین این حراج‌ها، نوع مالکیت و مدل اقتصادی آن‌هاست. بطوریکه حراج تهران أساسا تاکنون به عنوان یک مجموعه خصوصی با جذب حامیان و مجموعه‌داران خصوصی و یا سازمانی تاسیس و مدیریت می‌شود در حالیکه مجموعه‌ی حراج‌های ساتبیز و کریستیز به عنوان یک هولدینگ با سازوکار حقوقی شفاف به عنوان یک بنگاه اقتصادی به صورت یک اکوسیستم و موسسه با خدمات گوناگون در مالکیت حقوقی مدیریت می‌شود.

۲ .سازوکار مالی و روش‌های پرداخت
در حراج‌های کریستیز و ساتبیز امکانات مالی پیشرفته‌ای برای خریداران و فروشندگان فراهم می‌کنند، از جمله وام‌های هنری: که خریداران می‌توانند آثار هنری را به‌عنوان وثیقه برای دریافت وام استفاده کنند. همچنین قیمت‌گذاری تضمینی: در برخی موارد، این حراج‌ها قیمت فروش یک اثر را تضمین می‌کنند و در صورت فروش نرفتن، خودشان اثر را خریداری می‌کنند. تسویه‌حساب بین‌المللی: این حراج‌ها از سیستم‌های مالی پیشرفته‌ای بهره می‌برند که پرداخت‌ها را در سطح بین‌المللی تسهیل می‌کند.
این در حالیست که روش‌های پرداخت در حراج تهران نسبت به همتایان بین‌المللی محدودتر و بومی‌تر است. پرداخت‌ها عمدتاً به‌صورت نقدی یا از طریق شبکه بانکی داخلی ایران انجام می‌شود. به‌دلیل تحریم‌های مالی، امکان استفاده از سیستم‌های پرداخت بین‌المللی مانند سوئیفت وجود ندارد و برخلاف کریستیز و ساتبیز، وام‌های تضمین‌شده با آثار هنری در ایران رواج چندانی ندارد.

۳ .نحوه قیمت‌گذاری و تعیین ارزش آثار
درخانه‌های حراج کریستیز و ساتبیز قیمت‌گذاری آثار هنری بر اساس سابقه فروش هنرمند، تحلیل بازار، و مشاوره کارشناسان بین‌المللی تعیین می‌شود. قیمت‌های پایه معمولاً با توافق فروشنده و متخصصان حراجی مشخص می‌شود و برخی آثار دارای حداقل قیمت تضمینی هستند. هر یک از این سازوکارهای قیمت‌گذاری میتواند مستندات کافی در اختیار خریداران، کارشناسان و منتقدین قرار دهد و سعی بر شفافیت روند ارزش‌گذاری دارد. در حراج تهران، قیمت‌گذاری آثار هنری بیشتر بر اساس بازار داخلی، شناخت از تقاضای خریداران، و پیشینه فروش داخلی انجام می‌شود و به‌دلیل محدودیت‌های ارتباطی با بازار جهانی، ارزیابی آثار کمتر تحت تأثیر داده‌های بین‌المللی قرار می‌گیرد. از دیگر سو به نظر می‌رسد کارشناسان رسمی و مدارک شفاف و سازوکاری مشخص بر این فرآیند حاکم نبوده و آنچه مورد وثوق قرار می‌گیرد، اعتماد و حس ظن طرفین به متصدیان برگزاری حراج تهران است.

۴ .بازار هدف و مشتریان
بازار هدف کریستیز و ساتبیز بین‌المللی است و مشتریان آن‌ها شامل کلکسیونرهای خصوصی، مؤسسات هنری، موزه‌ها، و سرمایه‌گذاران بزرگ از سراسر جهان می‌شوند. این حراج‌ها آثار هنرمندان شناخته‌شده جهانی مانند پیکاسو، وارهول، داوینچی و دیگران را به فروش می‌رسانند و بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و موزه‌های جهان آثار هنری مجموعه‌های خود را از این رویدادها خریداری می‌کنند. در حالیکه در حراج تهران بازار هدف این حراج، داخلی و منطقه‌ای است و مشتریان آن بیشتر شامل مجموعه‌داران ایرانی، سرمایه‌گذاران داخلی، و برخی نهادهای فرهنگی ایرانی هستند. آثار عرضه‌شده عمدتاً از هنرمندان معاصر ایرانی مانند پرویز تناولی، منوچهر یکتایی، فرهاد مشیری و ... است که تکرار و عدم تنوع کافی عرضه‌ها نیز می‌تواند یکی از تبعات آن باشد.

۵ .تأثیرات اقتصادی
کریستیز و ساتبیز نقش مهمی در گردش سرمایه بین‌المللی دارند و بسیاری از مجموعه‌داران از این طریق سرمایه‌گذاری‌های کلان انجام می‌دهند. تأثیر این حراج‌ها بر اقتصاد هنر جهانی بسیار زیاد است، به‌طوری که رکوردهای فروش آن‌ها بر قیمت‌گذاری آثار در سراسر جهان تأثیرگذار است. در حالیکه حراج تهران تأثیر قابل‌توجهی در تقویت بازار هنر ایران و ایجاد سرمایه‌گذاری داخلی در هنر دارد. با این حال، به‌دلیل محدودیت‌های اقتصادی و تحریم‌ها، نتوانسته به یک پلتفرم بین‌المللی تبدیل شود و تأثیر آن عمدتاً محدود به بازار داخلی ایران است.

بطور کلی از جمله چالش‌های حراج تهران میتوان به این موارد اشاره‌کرد:۱-تحریم‌های اقتصادی و عدم ارتباط با شبکه‌های مالی بین‌المللی، ۲-محدودیت در جذب خریداران خارجی، ۳-نبود ابزارهای مالی پیشرفته مانند وام‌های هنری و همچنین فرصت‌های حراج تهران عبارتست از:۱- رشد سرمایه‌گذاری داخلی در هنر، ۲-افزایش آگاهی جامعه درباره هنر و ارزش‌های اقتصادی آن، ۳-امکان توسعه بازارهای منطقه‌ای (مانند کشورهای همسایه).
حراج تهران، با وجود تفاوت‌های اساسی با کریستیز و ساتبیز، توانسته نقشی کلیدی در اقتصاد هنر ایران ایفا کند. این حراج، در مقایسه با حراج‌های بین‌المللی، همچنان در مراحل توسعه قرار دارد و با چالش‌هایی مانند محدودیت‌های مالی و تحریم‌ها روبه‌رو است. از سوی دیگر، کریستیز و ساتبیز با ساختارهای مالی پیشرفته، بازار بین‌المللی، و روش‌های متنوع سرمایه‌گذاری، قدرت زیادی در تعیین روندهای بازار هنر دارند. با این حال، در صورت بهبود شرایط اقتصادی و گسترش ارتباطات بین‌المللی، حراج تهران می‌تواند به یک بازیگر مهم در بازار منطقه‌ای و جهانی هنر تبدیل شود.